تاریخ و فلسفه تکامل تاریخ نگاری

مدرسی چهاردهی، مرتضی

تنی چند از مورخان فیلسوف بودند.اینک اجمالی از سیر تاریخ‏نویسی‏ در اینجا نوشته میشود تا در خلال آن شخصیت فلسفی و اجتماعی بزرگانی مانند حکیم‏ ابو القاسم فردوسی و ابن مسکویه و این خلدون‏1روشن‏تر گردد«اگر ما کوتاهی عمر انسان را در نظر بگیریم و محدود بودن اطلاعات خود را دربارهء حوادثی که حتی‏ در زمان خود ما اتفاق میافتد متوجه بشویم قطعا و بدون شک باین حقیقت پی میبریم‏ که اگر این اختراع مهم که نام آن تاریخ است در بین نبود تا معلومات و اطلاعات‏ ما را بهمه دوره‏های گذشته و ملل قدیمه برساند ما در فهم و ادراک خود هنوز هم‏ کودکی بیش نبودیم.از برکت همین اختراع است که ما امروز از اوضاع و احوال‏ ملت‏های باستانی برای ترقی دادن تمدن و دانش خود چنان استفاده مینمائیم که گوئی‏ اشخاص آنان را می‏بینیم و سخنانشان را می‏شنویم درباره کسی که تاریخ میداند میتوان گفت که از ابتدای خلقت عالم زنده بوده است»«داوید هوم»

«تاریخهای فارسی»

بگفتهء یکی از دانشمندان معاصر:هنوز در ایران اهمیت تاریخ و فن‏ تاریخ‏نگاری چنانکه باید شناخته نشده است و نوعا آن را یک قسم از داستان‏گوئی‏ و افسانه سرائی می‏پندارند.احترامی را که برای دانشمندان و صاحبان دانش و فنون احساس میکنند،در حق تاریخ‏نگاران آن احترام را احساس نمیکنند، (1)-نگاه کنید به سلسله مقالات فلسفه تاریخ و اجتماع-ابن خلدون بقلم نگارنده‏ این سطور در شماره‏های سال اول مجله وحید چاپ تهران

انصافا هم در زبان فارسی تاکنون عده بسیار کمی از کتابهای تاریخی تألیق شده‏ است،تا اسباب از بین بردن این تصور مبنی بر اشتباه از فن تاریخ بشود،و مقام و مرتبه مورخان را بپایه دانشمندان دیگر بالا برد.درست است که کتابهای معتبر و مفصلی بزبان فارسی تألیف شده است،مخصوصا کتابهای تاریخ که بعد از حمله‏ مغول تا اوایل صفویه تألیف شده در نهایت ارزش و اهمیت است و یکی از مراجع عمده‏ مورخان بزرگ عالم بوده و میباشد،با این وصف همین کتابهای تاریخی دارای‏ ضعف‏های فراوانی است!!آنها را با وجود آن ضعف‏ها دیگر نمیتوان در نوع خود از فردهای کامل و حتی نزدیک بکامل بشمار آورد!!سودهای مهمی که از تاریخ منظور است‏ و نظر بهمان فواید مطالعه و تحصیل تاریخ از ارکان فرهنگ و تعلیم و تربیت بشمار میرود،از تاریخ‏های فارسی بدست نمی‏آید!!چنانکه در تاریخ فارسی بیشتر بشرح‏ احوال قهرمانان بسنده شده.جلوس آنان بر تخت حکمرانی و جنگ‏هائی که با امیران یاغی کرده‏اند،همچنین عزل و نصب وزیران و امیران و مصادره اموال آنان، زندانی و کشتن و کور کردن اطرافیان و کسان و خویشاوندان شهریاران که از کارهای‏ عادی آنان بوده مفصل حکایت و نقل شده است،در برابر راجع باوضاع و احوال ملل‏ و اقوامی که پادشاهان بر آنان حکمرانی میکردند،مطلبی نوشته نشده است و از ذکر ترقی و تنزل و سعادت یا بدبختی آنان غفلت ورزیده‏اند.همچنین از حوادث و تبدیل‏های مهمی که گاهگاه راجع بامور اجتماعی،اقتصادی،اخلاقی،دینی در قسمت‏های مختلف کشور اتفاق میافتاده و سیر تاریخ و اجتماع را عوض میکرده‏ مورخان ما سخنی بمیان نیاورده‏اد!!مثل اینکه در نظر این مورخان هر مطلبی که‏ مستقیما مربوط به قهرمانان و صاحبان اقتدار نبوده اصلا ارزش آن را نداشته است‏ که در کتاب تاریخ ثبت و ضبط بشود و برای آیندگان بیادگار بماند.روح استبداد پرستی و فنا در برابر قدرت در عالم تاریخ‏نگاری هم رسوخ یافته بوده گذشته از آن‏ نکته دیگری که در آثار تاریخ‏نگاران ایرانی جلب توجه میکند،آنست که مورخان‏ ما پس از آنکه بنا گذاشته‏اند که موضوع نوشته‏های آنها محدود باشد و از داخل‏ دایره تنگی که خود را در آن محصور نموده‏اند بیرون نروند در آن موضوع محدود هم تنها بیاد کلمات بطور سربسته اکتفا کرده‏اند!!از شرح خصوصیات قضایای تاریخی‏ و کیفیت جریان وقوع آنها ولو بطور اختصار هم باشد خودداری کرده‏اند!!طول و تفصیل‏هائی که در بعضی از تاریخ‏های ما مشاهده میشود بیشتر راجع بعبارت است و از مبالغه در اهمیت دادن بالفاظ ناشی گردیده است،لفظ مفصل و معنی مجمل است‏ مثلا از عبارت‏های مفصل و گاهی هم مسجع آنها درباره جنگی که در بین دو پادشاه‏ اتفاق افتاده است اجمالا این اندازه بدست می‏آید که فلان پادشاه با یک پادشاه دیگر در فلان محل جنگ کردند یکی غالب و دیگری مغلوب شده و فرار کرده دیگر راجع‏ بچگونگی و جزئیات لشکرشی و تدبیرهای جنگی که دو طرف دشمن یکدیگر بکار برده‏اند،اسلحه‏هائی که بکار دو طرف خورده،همچنین شماره سپاه دو پادشاه و سواران‏ و پیادگان هریک از آنان،چگونگی میدان جنگ و مساعد و نامساعد بودن آن‏ بهریک از دو طرف،عوامل بیرونی مانند تغییرات در اوضاع جوی و مانند آن‏که در تعیین سرنوشت جنگ‏ها کم‏وبیش تأثیر دارند سخن بمیان نمی‏آورند در صورتیکه برای‏ بعضی از مورخان بزرگ ما تحصیل این رشته از اطلاعات درباره جنگ‏هائی که در عصر خود آنان یا در زمان نزدیک بعصر آنان اتفاق افتاده بود چندان دشوار نبود؛چه‏ بسیاری از آنان داخل دستگاه دولتی بوده و در سلک حاشیه شخص شاه یا یکی از وزیران و امیران شاه وارد بوده‏اند-چندتن از آنان سمت مورخ رسمی و یا وقایع‏نگاری‏ داشته‏اند-حتی بعضی از آنان بدرجه حکومت و وزارت هم رسیده بودند،بنابراین‏ برای این مورخان عالی‏مقام ودست‏اندرکار با این مزایا و فراهم بودن وسیله‏های کسب‏ اطلاع از مردمی که در واقعه‏های مهم و جنگ‏ها وارد بوده‏اند و حتی آنها را اداره‏ کرده‏اند اشکالی نداشته است!!

حالا اگر قدری بیشتر برای خود زحمت میدادند،از مطلعان و کسانی که‏ ناظر وقایع و اتفاقات بوده‏اند آن اطلاعاتی را که یادآور شدیم تحصیل میکردند و با مشاهدات و اطلاعات شخصی که لا بد خودشان هم داشته‏اند در ضمن تاریخ نقل میکردند آثار باقیه آنان چندین مرتبه از آنچه که اکنون در دست ماست سودمندتر و خواندنی‏تر و عالی‏تر و ارزنده‏تر میشد.